

# در جستجوی شناسایی نیازهای فرهنگی نسل جوان و ارائه الگوی انطباقی

دکتر عباس عباس پور<sup>۱</sup>

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۶

## چکیده

به منظور شناسایی نیازهای فرهنگی نسل جوان، پژوهشی به روش پیمایشی و با رویکرد تطبیقی در میان دانش آموزان پسر و دختر سراسر کشور در دوره تحصیلی متوسطه اجرا شد. بر مبنای مطالعات تطبیقی انجام شده، ابعاد فکری، اجتماعی، فردی و فنی چهار زمینه اساسی مورد سنجش برای شناسایی نیازهای فرهنگی نسل جوان در نظر گرفته شد. ابزار سنجش پرسشنامه‌ای محقق ساخته و مشتمل بر ۹۴ عبارت ۵ گزینه‌ای بود که بر اساس مقیاس درجه بندی لیکرت از خیلی موافق تا خیلی مخالف صورت بندی شد. شیوه نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. حجم کل نمونه مشتمل بر مشارکت ۱۸۰۰۰ نفر دانش آموز پسر و دختر از ۹ استان کشور در دوره تحصیلی متوسطه بود که در نهایت ۱۴۳۵ پرسشنامه قابلیت محاسبه و انجام تحلیل آماری یافت. نتایج این تحقیق اطلاعات نسبتاً عینی و معین از نیازهای فرهنگی دانش آموزان با توجه به شرایط خاص و حساس جوانی و نیز خواسته‌های سنی و جنس آنان در چهار بعد فکری، اجتماعی، فردی و فنی را شناسایی کرد؛ همچنین نشان داد که بین پاسخگویی به نیازهای فرهنگی پسران با دختران تفاوت معناداری وجود دارد. علاوه بر آن، مشخص شد که بین نیازهای فرهنگی دانش آموزان در هر یک از پایه‌های تحصیلی متوسطه تفاوت معنادار وجود دارد. و در نهایت، بین اولویت نیازهای فرهنگی دانش آموزان در ابعاد فکری، اجتماعی، فردی و فنی تفاوت معناداری وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** نیازها، رویکرد انطباقی، نسل جوان، ابعاد نیازها.

---

<sup>۱</sup> دانشیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، abbaspour1386@gmail.com

## مقدمه

جوانی بهار عمر انسانی و جوانان به‌عنوان فعال‌ترین قشر منابع انسانی، مایه افتخار و بزرگی هر جامعه به شمار می‌روند. هر جامعه‌ای رشد و بالندگی خود را در گرو توانمندی‌های بالقوه این نسل قلمداد می‌کند. آنان ذخیره‌های پایان‌ناپذیری از توانمندی‌های بالقوه را با خود به همراه دارند. در صورت بهره‌گیری بهینه از این توانمندی‌ها، رشد و شکوفایی جامعه امکان‌پذیر می‌گردد. با این وجود، کشف هر یک از این توانمندی‌ها مستلزم شناخت نیازها و خواسته‌های جوانان است. آنان به‌رغم برخوردارگی از همه ویژگی‌های مشترکی که با آن‌ها شناسایی می‌شوند، از لحاظ طرز تفکر و نگرش، رفتار و فرهنگ با یکدیگر متفاوت‌اند. جوانان در کنار توانمندی‌های بالقوه، ذخیره پایان‌ناپذیری از نیازهای ارضاء نشده را با خود به همراه دارند که هر کدام در یک فرآیند پویای تلاش و فعالیت می‌توانند زمینه فعل و انفعالات خلاق در اوضاع و شرایط پیچیده زندگی را فراهم سازند.

موضوع نیازها تا آنجا اهمیت دارد که برخی از نظریه‌های انگیزش همچون نظریه خود تعیین‌گری که بر روی سه نیاز خودمختاری، شایستگی و ارتباط تأکید دارند، این فرض را مطرح می‌کنند که نیازها زیربنای رفتارهای انسان هستند (دسی و ریان، ۲۰۰۸). و به تعبیر آرنون و مارشال (۲۰۰۹) ارضای نیازها همراه با انگیزش درونی و جلب مشارکت افراد خواهد بود. بر این اساس، گرچه ضرورت بررسی نیازهای نسل جوان در همه زمینه‌ها، محسوس و حیاتی است؛ اما این ضرورت به‌ویژه، در زمینه فرهنگی که به‌طور کلی قلمرو فعالیت آموزش و پرورش است، از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا، آموزش و پرورش به‌عنوان الگوی کلی نهادها، مؤسسات و سازمان‌های رسمی جامعه، رسالت خطیر تربیت و آماده‌سازی نسل جوان را برای مشارکت هرچه بیشتر در سازندگی و توسعه بر عهده دارد. اهتمام به امر مهم و اساسی سیاست‌گذاری آموزشی نیازمند درک عمیق و اصولی از نیازهای جوانان است و زمینه فرهنگی گسترده‌ترین قلمرو نیازی برای نائل شدن به این درک عمیق و اصولی است.

جوانان نقش اساسی در بقاء، تداوم و بالندگی هر جامعه دارند؛ و در صورت بهره‌مندی از نعمت بزرگ رهبری شایسته، پیش‌کسوتان خطر و استقامت برای حفظ و اعتلای آرمان‌های اساسی جامعه به شمار می‌روند. آنان مستعدترین، پرتلاش‌ترین و درعین‌حال، وفادارترین نسل برای بازسازی و بهسازی جامعه‌اند. اما به‌رغم همه این برجستگی‌ها، در مقابل، آسیب‌پذیر از نارسائی‌ها و تناقض در رفتار اساسی افراد بالغ جامعه می‌باشند. از این‌رو، هر نوع اقدام و برنامه‌ریزی مؤثر برای شکوفایی استعداد‌های ذاتی جوانان و جلب مشارکت آنان و نیز ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار و کردار آن‌ها نه تنها امری بی‌نهایت دشوار و حساس است؛ بلکه مستلزم بینش و بصیرت نسبت به نیازها و احتیاجات اساسی آنان است.

بر پایه نکات یادشده، مسئله اصلی این بررسی این است که نشان دهد با توجه به میزان تأثیراتی که فرهنگ می‌تواند بر کارکرد و اثربخشی جامعه ایفا نماید، کارکرد مطلوب آن چگونه می‌تواند حاصل شود و جوانان چه نیازهایی در زمینه فرهنگ دارند؟ بخصوص آن‌که نظام آموزشی ما نتوانسته به‌درستی نیازهای فرهنگی جوانان را به‌طور اساسی مورد مطالعه قرار دهد و از این طریق به جستجوی ریشه نیازها و ارتباط آن با سایر زمینه‌ها مبادرت ورزد. این بررسی بر آن است تا در قالب گزاره‌های زیر نیازهای فرهنگی نسل جوان را شناسایی و مدل انطباقی مناسب را ارائه دهد:

۱. نیازهای فرهنگی دانش‌آموزان پسر و دختر در دوره تحصیلی متوسطه را بر مبنای کدام مدل انطباقی می‌توان ارائه کرد؟
۲. بین پاسخگویی به نیازهای فرهنگی پسران با دختران تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. بین نیازهای فرهنگی دانش‌آموزان در هر یک از پایه‌های تحصیلی متوسطه تفاوت معنادار وجود دارد.
۴. دانش‌آموزانی که در شهرها زندگی می‌کنند نسبت به دانش‌آموزانی که در روستاها زندگی می‌کنند، نیازهای فرهنگی بیشتری دارند.

۵. بین اولویت نیازهای فرهنگی دانش آموزان در ابعاد فکری، اجتماعی، فردی و فنی تفاوت معناداری وجود دارد.

### چارچوب نظری

پیرامون شناخت نیاز تاکنون پژوهش‌های درخور توجهی به‌ویژه از سوی روان‌شناسان معاصر انجام شده است. هر یک از آنان بر اساس بینش‌ها و گرایش‌های خویش، جنبه‌ای از نیازهای پیچیده و متنوع انسانی را مورد توجه قرار داده‌اند. به‌اختصار شرح اجمالی از نظریه‌های نیازها ارائه می‌شود.

جدول ۱. سنخ‌شناسی نظریه‌های نیازها

صاحب‌نظر	دیدگاه/ ابعاد نیاز	انواع نیاز	ضعف/انتقادات
Murray, H. A. (1938)	از دیدگاه موری، نیازها به‌عنوان نیروهایی که افکار، احساسات و رفتار را در جهت تغییر شرایط نامطلوب به شرایط مطلوب منظم و هدایت می‌کنند، تعبیر شده است. موری دو نوع نیازهای اولیه (زیستی) مانند نیاز به اکسیژن، غذا، آب، میل جنسی و سلامت جسمانی و نیازهای ثانوی که در جریان زندگی به‌طور اکتسابی حاصل می‌شوند، مطرح کرد.	خواری طلبی، پیشرفت، پیوند جویی، پرخاشش‌گری، خودمختاری، جبران شکست، تدافع، تمکین، سلطه‌گری، خودنمایی، آسیب‌گریزی، تحقیر‌گریزی، مهرورزی، نظم، بازی، طرد، توانایی حسی، جنسی، مهر‌طلبی، درک	مهم‌ترین نقطه ضعف در نظریه موری پیچیدگی و پراکندگی آن است که تحقیق علمی و آزمایشگاهی آن را غیرممکن می‌سازد. به همین سبب، نمی‌توان آن‌ها را موردسنجش و اثبات قرارداد.
Maslow, A. H. (1987)	مزلو در نظریه خود نخستین تلاش راجع به انگیزش رفتار انسانی را در جهت طبقه‌بندی نیازهای انسانی انجام داد. او معتقد بود که نیازهای انسان بر دو گونه است. یکی نیازهای اساسی مانند گرسنگی، محبت، امنیت، احساس ارزش و دسته دیگر نیازهای ماورای جسمی و متعالی مانند عدالت، خوبی، زیبایی، نظم، وحدت. کمبودها به‌وسیله نیازهای اولیه جبران می‌شوند؛	<ul style="list-style-type: none"> <li>• یک. نیازهای کاستی نیازهای</li> <li>• فیزیولوژیک (گرسنگی، تشنگی و امثال آن)</li> <li>• نیازهای ایمنی (احساس امنیت کردن و دوری از خطر)</li> <li>• نیازهای تعلق و محبت (به دیگران پیوستن، پذیرفته شدن)</li> </ul>	این نظریه به تعبیر هوی و میسکل (۲۰۱۳) چیستان جالبی است. هر چند به‌طور وسیعی با اقبال مواجه شده است؛ اما شواهد پژوهشی اندکی از آن حمایت می‌کنند. از این لحاظ، فرض بنیادی سلسله مراتب نیازها و

<p>چارچوب ارائه شده، نیاز به تجدید نظر و پژوهشهای تکمیلی دارد.</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نیازهای عزت نفس (نشان دادن کفایت در کارها)</li> <li>• دو. نیازهای رشد دهنده</li> <li>• نیازهای شناختی (دانستن، فهمیدن و کاویدن)</li> <li>• نیازهای ذوقی (تقارن، نظم و زیبایی)</li> <li>• خود شکوفایی (رسیدن به خودیابی و شکوفا ساختن تواناییهای بالقوه)</li> </ul>	<p>درحالی که رشد و تکامل آدمی به وسیله نیازهای متعالی انجام می شود. نیازهای متعالی به اندازه نیازهای اولیه غریزی و فطری هستند و هنگامی که ارضا نشوند انسان بیمار می شود؛ که عوارض بیماری عبارت از احساس بیگانگی، عذاب، بی تفاوتی و سخره است. نیازها با یکدیگر تفوق دارند و آنهایی که مهم ترند باید پیش از سایر نیازها ارضا شوند.</p>	
<p>بی توجهی به نیازهای زیستی و اساسی</p>	<p>نیازها به پنج طبقه تقسیم می شوند:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. نیاز به محبت</li> <li>۲. نیاز به مورد قبول مقامات بالاتر واقع شدن</li> <li>۳. نیاز به مورد تأیید همگان واقع شدن</li> <li>۴. نیاز به استقلال و عدم وابستگی</li> <li>۵. نیاز به احترام به نفس</li> </ol>	<p>کروناخ بر خلاف نظریه مزلو که به نیازهای فیزیولوژیکی و ایمنی توجه بایسته مبذول داشته بود؛ ضمن کنار نهادن نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به امنیت را به دلیل مترادف دانستن با ترس از نظر دور نگه داشت. به زعم وی، عدم امنیت نوعی ترس به شمار می رود، ترس از اینکه انسان چیزی را از دست بدهد. در نتیجه می توان عدم احساس امنیت را ترس از عدم ارضای نیازها دانست که در این صورت خود امنیت نمی تواند نیاز به شمار آید و جدای از سایر نیازها در نظر گرفته شود.</p>	<p>Cronbach, L. J. (1954)</p>
<p>سوابق پژوهشی قابل توجهی در مورد این نظریه وجود ندارد.</p>	<p>طبقه بندی اولیه نیازها (۱۹۴۲):</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. نیاز به محبت و پذیرش</li> <li>۲. نیاز به حامی و پشتیبان</li> <li>۳. نیاز به محدود ساختن زندگی (قناعت)</li> <li>۴. نیاز به قدرت</li> <li>۵. نیاز به بهره جویی از دیگران</li> <li>۶. نیاز به حیثیت و آبرو</li> <li>۷. نیاز به تحسین و تمجید</li> </ol>	<p>خانم کارن هورنای انگیزه ضروری آدمیان را نیازهای آنان می داند. در سال ۱۹۴۲ در کتاب تحلیل خویشتن یا خودکاوی فهرستی مشتمل بر ده نیاز روانشناختی را معرفی می کند. در سال ۱۹۴۵ در کتاب تضادهای درونی نظر خود را در باره نیازها روشنتر بیان می کند. و آن را در قالب سه الگوی رفتن به سوی مردم، دور شدن از مردم و مخالفت با مردم به عنوان تعیین کننده</p>	<p>Horney, K. (1942.1945)</p>

	<p>۸. نیاز به موفقیت و پیروزمندی                  ۹. نیاز به خودکفایی و استقلال                  ۱۰. نیاز به کمال و انتقادپذیری                  طبقه‌بندی تکمیلی نیازها (۱۹۴۵)                  ۱. نیازهایی که آدمی را به سوی دیگران می‌برند. مانند نیاز به محبت                  ۲. نیازهایی که آدمی را علیه دیگران بر می‌انگیزند. مانند میل به استقلال                  ۳. نیازهایی که آدمی را از دیگران دور می‌سازند. مانند نیاز به قدرت</p>	<p>جهت بینش و عمل فرد نسبت به خود و دیگران معرفی می‌کند. عدم تعادل و اختلال در این سه نوع نیاز، ناهنجاری‌هایی را به وجود می‌آورد. انسان ناسالم از نظر روانی کسی است که در دوران حیات خود و به‌ویژه دوران پر اهمیت کودکی، با مشکلات عدیده و شدید اجتماعی روبرو بوده است. این مشکلات سبب به هم ریختن توازن سه الگوی نیازهای زندگی می‌شوند.</p>	
<p>بی توجهی به وجود قدرتی برتر از انسان و لازم بودن اطاعت از وی از یک سو که معرف دیدگاه اومانستی است موجب شده است که وی از بسیاری از ابعاد ارزشمند وجود انسانی در تحقیقاتش غفلت کند. از این رو، دیدگاه‌های روان‌کاوانه وی بر اساس درک نادرستی از مقام و منزلت انسان و ارزش‌های وجودی وی بنا شده است و فاقد هماهنگی درونی است.</p>	<p>۱. نیاز به وابستگی یا ارتباط داشتن                  ۲. نیاز به تعالی و سرآمد بودن و عروج فراسوی طبیعت حیوانی                  ۳. نیاز به ریشه داری یا رجوع به اصل به‌عنوان جزء مکمل جهان آفرینش و درک لذت زندگی در نفس عمل و نه منفعت مادی آن                  ۴. نیاز به هویت                  ۵. نیاز به چارچوب توجهی یا وسایل راه یابی یا یک جان بینی خاص برای ادراک جهان آفرینش و شناخت رویدادهای آن</p>	<p>به عقیده اریش فروم شناخت انسان باید به تحلیل نیازهای او که از کیفیت وجودی اش ناشی می‌شوند، مبتنی باشد. ناکامی انسان در ارضای هریک از نیازهای اساسی مذکور، باعث پیدایش مشکلات شخصیتی می‌شود و چون ارضای آن‌ها در جامعه‌های امروز امکان ندارد از این رو، همه ما دارای مسائل شخصیتی هستیم. پس این جامعه است که بیمار است و تنها راه حل مسائل شخصیتی، تغییر و تبدیل نوع جامعه موجود به جامعه‌ای است که در آن روابط میان مردم بر اساس محبت متقابل باشد، جامعه‌ای که ریشه‌های آن را برادری و اشتراک تشکیل داده باشد...، جامعه‌ای که در آن هر فرد از راه تجربه شخصی به ارزش و اهمیت خویش پی ببرد و خود را شخصی با قدرت‌های خاص خود بداند، نه از طریق پیروی و فرمانبرداری.</p>	<p>Fromm, E(1955 )</p>

<p>هرچند یکی از معتبرترین نظریه‌های نیاز به شمار می‌رود و در سطح وسیعی مورد قبول واقع شده است؛ لکن، روابط میان محیط و عملکرد نه بر اساس اوج گیری انگیزه پیشرفت بلکه بر اثر تمایل به کسب پیامدهایی است که با ادراکاتی که فرد از خود دارد، همسانی داشته باشد.</p>	<p>سه انگیزه اساسی در انسان وجود دارد:          ۱. نیاز به پیشرفت به معنای آرزوی پیشی جستن بر یک رفتار معیاری ویژه و فائق آمدن بر موانع          ۲. نیاز به قدرت به معنای تحت نفوذ قرار دادن و کنترل دیگران          ۳. نیاز به پیوند جویی و تعلق به معنای میل و علاقه برای مهربانی و برقرار ساختن روابط دوستانه</p>	<p>نظریه نیازهای مک کلند به چگونگی ترکیب نیازهای فرد با عوامل محیطی می‌پردازد. وی و همکارانش در دانشگاه هاروارد با استفاده از آزمونهای شخصیت و با اعتقاد به تفاوت های فردی بالغ بر بیست سال در مورد نیاز به پیشرفت و کسب موفقیت تحقیقات خود را دنبال نمودند. به زعم وی برخی افراد دارای انگیزه سطح بالایی هستند و در رقابت با دیگران و در کارهای خود، برای کسب موفقیت، به سختی کوشش می‌کنند. در مقابل، سایرین انگیزه چندانی برای پیشرفت و موفقیت ندارند و از بیم شکست، آماده خطر کردن برای کسب موفقیت نیستند.</p>	<p>McClelland, D.C. (1953)</p>
<p>این نظریه در مورد منشاء و نحوه شکل گیری نیاز اظهار نظر نمی‌کند. روش گردآوری داده های پژوهش که به شیوه رویداد بارز انجام شده است و نوع انتخاب آزمودنیها سبب شده است که فقط پژوهش‌هایی که از این روش استفاده کرده اند آن را تایید کنند.</p>	<p>یک. عوامل بهداشت یا نگهدارنده مانند خطمشی ها و مدیریت سازمان          شرایط کار          روابط متقابل افراد          پول، مقام، تأمین          دو. انگیزنده ها مانند کسب موفقیت          قدردانی در قبال انجام کار          مسؤولیت فزاینده          رشد و توسعه</p>	<p>افراد دو دسته نیازهای متفاوت دارند که اساساً از یکدیگر مستقل هستند و به شیوه متفاوتی رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. او دریافت که وقتی افراد از کار خود احساس نارضایتی می‌کنند این نارضایتی مربوط به محیطی است که در آن کار می‌کنند. در مقابل، وقتی افراد در باره کار خود احساس خوشایندی دارند این احساس مربوط به خود کار است.</p>	<p>Herzberg, F. (1959)</p>
<p>سوابق پژوهشی قابل توجهی در مورد این نظریه وجود ندارد.</p>	<p>۱. نیازهای وجود یا زیستی مانند نیازهای فیزیولوژیک امنیت حقوق و دستمزد شرایط کار          ۲. نیازهای وابستگی و تعلق مانند</p>	<p>آلدرفر نظریه ERG را از ترکیب حروف اول کلمات زیستی، وابستگی، و رشد تشکیل داده است. وی از این لحاظ که می‌گوید فرد در حرکت سلسله مراتبی برای ارضای نیازهای خود از نیازهای زیستی به سمت نیازهای وابستگی و سپس در جهت نیازهای رشد پیش می‌رود، نظریه اش با نظریه مزلو</p>	<p>Alderfer, C. P. (1972)</p>

	<p>نیازهای اجتماعی                  رابطه معنادار با اعضای                  خانواده، همکاران و دوستان                  ۳. نیازهای رشد مانند                  نیازهای حرمت                  نیازهای خودیابی</p>	<p>همخوانی دارد. اما از لحاظ سیر تحول                  نیازها با آن اختلاف اساسی دارد. مزلو                  براین باور است که پیشرفت از یک                  سطح نیاز به سطح بالاتر بستگی به                  ارضای نیازهای سطح پایین تر دارد.                  آلدرفر ضمن تأکید بر این فرایند، فرایند                  ناکامی برگشت یا پسرفت را نیز بر مدل                  خود می افزاید. به این معنی که فرد                  وقتی در ارضای نیازهای سطح بالاتر                  ناکام ماند در نهایت، به سطح قبلی                  نیازهای خود بر می گردد.</p>	
<p>بی توجهی به نیازهای                  روان شناختی</p>	<p>۱. نیازهای باور مذهبی مانند:                  نیاز به درک حضور خداوند                  هدف و معنا در زندگی                  نداشتن ترس از مرگ                  ۲. نیازهای رفتار مذهبی مانند:                  نیاز به دعا و نیایش                  انجام مناسک و عبادات                  نیاز به شرکت در مراسم                  مذهبی                  ۳. نیازهای حمایت اجتماعی                  مذهبی مانند:                  نیاز به مراقبت از همدیگر در                  گروههای مذهبی                  رفتن به معابد و نماز جماعت                  نیاز به ملاقات رهبران مذهبی</p>	<p>ایشان به منظور بررسی قلمرو کامل                  نیازهای معنوی، پژوهش خود را انجام                  دادند. نتایج این پژوهش حاکی از آن                  بود که نیازهای معنوی را می توان در سه                  محور اصلی طبقه بندی نمود.</p>	<p>Fitchett,                  George,                  Burton, L.                  A., &amp;                  Sivan, A. B.                  (1997)</p>
<p>یکی از جنبه های مثبت                  آن توجه همزمان به                  نیازهای روان شناختی و                  معنوی است. لکن،                  طبقه بندی ارائه شده از                  جامعیت لازم برخوردار                  نیست.</p>	<p>یک. نیازهای مربوط به خود                  نیاز به داشتن معنا، نیاز به                  احساس سودمندی، نیاز به                  بینش و معرفت، نیاز به امید،                  نیاز به حمایت در کنار آمدن                  با فقدان و تغییر، نیاز به تعدیل                  وابستگی دیگران، نیاز به                  تحمل شرایط سخت و                  دشوار، نیاز به شرف و                  حیثیت، نیاز به ابراز                  احساسات، نیاز به خوشبختی،</p>	<p>ایشان نیازهای انسان را در سه محور                  طبقه بندی نمودند. منطبق طبقه بندی نیازها                  به درجه ربط نیاز به خود فرد، دیگران و                  خدا بستگی داشت.</p>	<p>Koenig, H.                  G., &amp;                  Weaver, A.                  J. (1997)</p>



	<p>نیاز به ارتباط با گذشته، نیاز به پذیرش و تحمل مرگ نزدیکان</p> <p>دو. نیازهای مربوط به دیگران، نیاز به معاشرت با دیگران، نیاز به محبت و خدمت به دیگران، نیاز به گذشت و چشم پوشی از خطای دیگران، نیاز به تحمل مرگ و جدایی دوستان.</p> <p>سه. نیازهای مربوط به خدا</p> <p>نیاز به یقین داشتن به وجود خدا، نیاز به اعتقاد به این که خدا در کنار ماست، نیاز به درک حضور خدا، نیاز به درک محبت غیر مشروط خدا، نیاز به دعا در پیشگاه خدا در حق خود و دیگران، نیاز به خواندن کتاب مقدس و عمل به آن، نیاز به عبادت</p>		
<p>درک از نیازهای معنوی جامع، اصولی و منطبق بر حقیقت دین نیست. برخی از نیازها ارتباطی با نیازهای معنوی ندارد و برخی نیازهای دیگر که مصداق بارز نیازهای معنوی است، مورد غفلت واقع شده است.</p>	<p>۱. نیاز به هدف، معنا و امید در زندگی. ۲. نیاز به فراتر رفتن از اوضاع و شرایط. ۳. نیاز به تحمل فقدان. ۴. نیاز به پیوستگی ساختارهای درونی و برونی از طریق حفظ عزت نفس، یکپارچگی خود، حفظ تعامل اجتماعی و کارکرد شناخت. ۵. نیاز به اعتباریابی و حمایت از رفتارهای مذهبی. ۶. نیاز به مشغول شدن به رفتارهای مذهبی. ۷. نیاز به احساس خودارزشمندی. ۸. نیاز به دوستی غیر مشروط. ۹. نیاز به ابراز خشم و اعتراض. ۱۰. نیاز به احساس این که خدا در کنار ماست. ۱۱. نیاز به عشق</p>	<p>کونینگ بر این باور است که ارتقای سلامت روانی افراد بستگی به ارضای نیازهای معنوی آنان دارد. بررسی های ایشان در نهایت، منجر به معرفی ۱۴ نیاز معنوی گردید.</p>	<p>Koenig, H. G., King, D. E., &amp; Carson, V. B. (2012)</p>

ورزی و خدمت به دیگران ۱۲. نیاز به سپاسگزار بودن ۱۳. نیاز به بخشیدن و بخشیده شدن ۱۴. نیاز به آماده شدن برای مرگ و مردن.		
--	--	--

آن گونه که بیتس و پلاگک (۱۳۸۷) می‌گویند فرهنگ نظام مشترکی از باورها، ارزشها، رسوم، رفتارها و مصنوعات است که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان خود و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از طریق آموزش از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد. این تعریف نه تنها الگوهای رفتار، بلکه الگوهای اندیشه (معانی مشترکی که اعضای یک جامعه به پدیده‌های گوناگون طبیعی و فکری از جمله دین و ایدئولوژی نسبت می‌دهند)، مصنوعات (ابزارها و کارهای هنری) و مهارت‌ها و فنونی را در بر می‌گیرد که در ساخت مصنوعات به کار گرفته می‌شوند. در مطالعه رابطه میان فرهنگ و نیاز نقطه اتکای ما بر فرآیندی است که طی آن نیاز زیر نفوذ و اقتدار فرهنگ، جنبه‌ای تقدس گونه به خود می‌گیری و ارضای آن نمادی از افتخارات اجتماعی محسوب می‌گردد.

اسماعیلی و ربیعی (۱۳۸۷) به منظور سنجش نیازهای فرهنگی - اجتماعی دختران دانش آموز شهر اصفهان پژوهشی را به روش پیمایش انجام دادند. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که نیازهای عاطفی - روانی در مرتبه نخست، نیازهای اجتماعی در مرتبه دوم، نیازهای اقتصادی در مرتبه سوم و نیازهای فرهنگی در مرتبه چهارم قرار دارند. از نظر آزمودنی‌ها فعالیت‌های تفریحی گزینه اول نیازهای فراغتی و خانواده به‌عنوان مهم‌ترین گروه مرجع معرفی شد. برای آن‌ها، همدلی و برقراری روابط صمیمانه اولویت بیشتری نسبت به تزریق پول و تأمین امکانات دارد. قلاوندی، امانی ساری بگلو و بابایی سنگلجی (۱۳۹۱) به منظور بررسی رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان‌شناختی اساسی به این نتیجه رسیدند که ابعاد فرهنگ مدرسه رابطه معناداری با برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی دارند. مدارس می‌توانند فرهنگ آن‌ها به روابط دوستانه اعضای آن، وجود اعتماد بین اعضا و احترام متقابل تأکید دارند و امنیت و کیفیت خدمات آموزشی در

آن بالا است، میزان احساس شایستگی، حس انسجام و خود مختاری به عنوان عناصر اصلی نیازهای روان شناختی در میان مدارس بالا خواهد بود. همچنین، بر اساس نتایج بررسی مارشیک (۲۰۱۰) برآورده شدن نیازها در دانش آموزان تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد تحصیلی آنان دارد. پژوهش وانگ و هولکالب (۲۰۱۰) نیز نشان داد که اداراک دانش آموزان از محیط مدرسه نه تنها بر پیشرفت تحصیلی آنها اثر می گذارد بلکه می تواند در برآورده شدن نیازهای روان شناختی آنان نقش تسهیل گر را ایفا نماید.

بر پایه نتایج فوق، ملاحظه می شود که فرهنگ تعدیل کننده نیازهای انسانی است. آن چنان نیرومند است که می تواند اساسی ترین نیازهای انسانی را علی رغم وجود شدت نیاز تعدیل کند. انگیزش جنسی را برای پاکدامنی، گرسنگی و تشنگی را برای اجتناب از محرمات و عمل به واجبات، در چارچوب قوانین و نظامات معینی سامان می دهد. نیاز با قرار گرفتن در قلمرو فرهنگ از اعتبار و ارزش برخوردار می شود و مقبولیت اجتماعی می یابد.

### روش

روش پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی پیمایشی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر و دختر دوره تحصیلی متوسطه سراسر کشور بود. روش نمونه گیری به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انجام پذیرفت. از میان استان های کشور ۹ استان و از هر استان ۵ منطقه آموزشی و از هر منطقه ۴ دبیرستان و از هر دبیرستان ۱۰۰ نفر دانش آموز به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. بدین ترتیب، حجم کل نمونه مشتمل بر مشارکت ۱۸۰۰۰ نفر دانش آموز بود که در نهایت ۱۴۳۵۰ پرسشنامه قابلیت بررسی و اعمال تحلیل آماری یافت.

ابزار پژوهش بر اساس نتایج حاصل از بررسی های داوونی (۱۹۶۰) و داوونی، سیگر و اسلاگل (۱۹۵۸) به طور محقق ساخته تهیه شد. آنان با مطالعه و تحلیل تمامی منشورها و قطعنامه های آموزش و پرورش آمریکا و بررسی تنگناهای هر کدام نیازهای ضروری جوانان را در یک

چارچوب مفهومی و در ابعاد چهار گانه فکری، اجتماعی، فردی و فنی طبقه‌بندی نمودند. پرسشنامه مشتمل بر ۹۴ عبارت ۵ گزینه‌ای بود که بر اساس مقیاس درجه بندی لیکرت از خیلی موافق تا خیلی مخالف صورتبندی شد. عبارتهای پرسشنامه بر اساس چهار بعد یادشده از متن مطالعات و یافته‌های پژوهشهای روان‌شناسی و جامعه‌شناسی که به نوعی معرف نیازهای فرهنگی جوانان باشد، استخراج گردید. پایایی ابزار مورد استفاده در این پژوهش به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد تا مشخص شود پرسشنامه با توجه به مقدار عددی که پاسخ هر سؤال به خود اختصاص می‌دهد تا چه میزان از هماهنگی درونی برخوردار است. در این پژوهش، پایایی پرسشنامه طراحی شده در مورد ۶۰ پرسشنامه که در مرحله مقدماتی اجرا شد برای بعد فکری ۰,۸۶، بعد اجتماعی ۰,۷۱، بعد فردی ۰,۷۶ و بعد فنی ۰,۷۹ به دست آمد.

#### یافته‌ها

به منظور پاسخ به گزاره نخست که به شکل سؤال مطرح گردید و درصدد بود تا نشان دهد نیازهای فرهنگی دانش‌آموزان پسر و دختر در دوره تحصیلی متوسطه را بر مبنای کدام مدل انطباقی می‌توان ارائه کرد؟ از رویکرد مطالعات تطبیقی استفاده شد. به زعم اغلب صاحب‌نظران، تقریباً در همه کشورهای، صرف نظر از تأکیدات و اولویت‌های فرهنگی، نیازهای اساسی آنان بر حول چهار محور یادشده قرار می‌گیرند؛ که در هر عصری با توجه به شرایط، تأکید بر این جوانب ممکن است تغییر پیدا کند؛ و در نتیجه اولویت‌ها و محتوای برنامه‌های آموزشی مورد تجدید نظر قرار گیرد. هر چند، تمایزاتی به دلیل منحصر بفرد بودن شکل‌گیری و تحول نظام آموزشی در هر جامعه و سوابق واقعی تاریخی-فرهنگی و مبانی اعتقادی آنان به چشم می‌خورد؛ مع‌هذا، نظر به تشابه روز افزون جریان‌ات مسائل آموزشی با پیشرفت و توسعه روابط میان فرهنگی، و مبادله افکار و اندیشه‌ها در میان کشورهای، محقق تجربه‌های آنان را در زمینه آموزش و پرورش و نیز نیازهای فرهنگی جوانان مورد توجه قرارداد و ابعاد چهارگانه

را با انجام اصلاحاتی به منظور انطباق با ارزشها و زمینه‌های فرهنگی جامعه ایرانی - اسلامی در این پژوهش شناسایی کرد.

**یک. بعد فکری:** بعد فکری مشتمل بر چهار سطح است و فرایندهایی نظیر علم و دانش، تبادل اطلاعات، خلاقیت و نوآوری و شوق به آموختن و یادگیری را در بر می‌گیرد. این چهار سطح به ترتیب عبارتند از:

۱. نیاز به کسب دانش و معلومات
۲. نیاز به تبادل دانش
۳. نیاز به دانش آفرینی
۴. نیاز به دانش دوستی

شاید بتوان عمیق‌ترین سطح از بعد فکری را عشق ورزیدن به یادگیری دانست. این که جوانان و مدارس ما تا چه حد موفق در این امر بوده‌اند هنوز جای تردید است. زیرا، اگر چه گسترش کمی و روزافزون مدارس و مراکز آموزشی پیوسته مورد توجه قرار دارد؛ اما غالباً بر طبق آرمانهای اساسی شکل‌گیری آنها عمل نمی‌شود.

**دو. بعد اجتماعی:** مشتمل بر چهار سطح سلسله‌مراتبی است؛ و فرایندهایی همچون حس همکاری و تشریک مساعی در روابط بین شخصی، احترام به حفظ و تقویت مناسبات اجتماعی بر اساس حقوق و وظایف مدنی، روح وطن دوستی و ایجاد روابط متقابل با سایر مردمان دنیا را شامل می‌شود. جوان باید یاد بگیرد که جایگاه واقعی خود را در هر یک از سطوح مناسبات پیدا کند؛ مراعات دیگران را بکند و امیال خود خواهانه را مهار کند. وی باید حس عدالت، شهامت دوست داشتن و شادی خدمت به دیگران را به خوبی درک کند. بر پایه نکات یادشده، چهار سطح بعد اجتماعی به ترتیب عبارتند از:

۱. نیاز به مناسبات بین شخصی
۲. نیاز به مناسبات اجتماعی

۳. نیاز به مناسبت ملی (روح وطن دوستی)

۴. نیاز به مناسبات بین المللی

**سه. بعد فردی:** چهار سطح بعد فردی از این جهت که تأثیر بسزایی در پرورش جسمی و روحی و روانی جوانان دارند، مهم‌ترین عامل‌های خودسازی برای رسیدن به مرحله خودیابی می‌باشند. به نظر می‌رسد زمینه‌هایی از انحطاط اخلاقی و اعتقادی نسل جوان ما را تهدید می‌کند. عدم توجه به پرورش تلاشها و انگیزه‌های سطح بالا، بی‌اعتنایی، لذت طلبی، زیاده خواهی و پرمدعایی، احساس ضعف و عجز و ناتوانی در برابر ابزارهای تهاجم فرهنگی بیگانه همچون فیلم و تلویزیون، جنون ورزشی، عشق به موسیقی‌های بی‌محتوایی همچون جاز و در نهایت لجام گسیختگی اخلاقی پاره‌ای از این زمینه‌ها می‌باشند که به‌عنوان پدیده جامعه امروزی بر نسل جوان خود را نمایان ساخته است. بر پایه نکات یادشده، چهار سطح بعد فردی به ترتیب عبارتند از:

۱. نیاز به رشد جسمی

۲. نیاز به ثبات روانی و عاطفی

۳. نیاز به رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی

۴. نیاز شوق به فرهنگ و هنر

**چهار. بعد فنی:** بعد فنی دلالت بر فرایندهایی دارد که در قلمرو علوم و فنون برای ارتقای نیازهای حیاتی جامعه و به منظور رفاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ضروری به نظر می‌رسند. چهار سطح بعد فنی به ترتیب عبارتند از:

۱. نیاز به انتخاب شغل و حرفه

۲. نیاز به آمادگی حرفه‌ای

۳. نیاز به خانه و خانواده، خانه داری، ازدواج و تشکیل خانواده

۴. نیاز به اقتصاد و خرید و فروش، مصرف و سرمایه‌گذاری شخصی

با توجه به توضیحاتی که ارائه گردید، ابعاد چهار گانه نیازهای فرهنگی نسل جوان مطابق مدل زیر نمایش داده می‌شود. آن گونه که در مدل انطباقی شکل ۱ مشاهده می‌شود هر یک از ابعاد نیازها مشتمل بر چهار سطح سلسله مراتبی است و اولویت ارضای نیاز در هر کدام از سطوح، دلیل بر کم اهمیتی سایر سطح نیست؛ بلکه بر عکس، نشان دهنده آن است که با ارضای نیازهای هر یک از سطوح چهار گانه، دامنه ابعاد نیازهای فرهنگی گسترده تر و از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد.



شکل ۱. مدل انطباقی ابعاد چهار گانه نیازهای فرهنگی نسل جوان

**فرضیه اول: بین پاسخگویی به نیازهای فرهنگی پسران با دختران تفاوت معناداری وجود دارد.**

همانگونه که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد پسران و دختران نسبت به نیازهای فرهنگی در ابعاد فکری، اجتماعی، فردی و فنی نظرات یکسانی نداشتند؛ به گونه ای که:

جدول شماره ۲. خلاصه نتایج آزمون مجذور کای ( $\chi^2$ ) بین جنسیت و ابعاد نیازها

ابعاد نیازها	سطوح سلسله مراتبی نیازها	مقدار کای محاسبه شده	درجه آزادی
ابعاد فکری	نیاز به کسب دانش و معلومات	۵۹/۸۹	۲
	نیاز به تبادل دانش	۱۰/۷۵	۲
	نیاز به دانش آفرینی	۱۱/۴۵	۲
	نیاز به دانش دوستی	۱۶/۵۴	۲
	نیاز به مناسبات بین شخصی	۳/۸۱	۲
ابعاد اجتماعی	نیاز به مناسبات اجتماعی	۰/۵۹	۲
	نیاز به مناسبات ملی	۲۴/۴۲	۲
	نیاز به مناسبات بین المللی	۰/۹۸	۲
	نیاز به رشد جسمی	۳۵/۳۳	۲
ابعاد فردی	نیاز به ثبات روانی و عاطفی	۱۰/۹۸	۲
	نیاز به رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی	۲۲/۱۵	۲
	نیاز شوق به فرهنگ و هنر	۲/۲۸	۲
	نیاز به انتخاب شغل و حرفه	۴/۹۰	۲
ابعاد فنی	نیاز به آمادگی حرفه ای	۱/۱۳	۲
	نیاز به خانه و خانواده	۳۱	۲
	نیاز به اقتصاد	۵/۲۷	۲

**در ابعاد فکری:** بین پسران و دختران در نیاز به کسب معلومات، تبادل دانش، دانش آفرینی و دانش دوستی تفاوت معناداری وجود دارد و دختران بیش از پسران به نیازهای یادشده تمایل دارند.

**در ابعاد اجتماعی:** بین پسران و دختران جوان در نیاز به مناسبات بین شخصی، اجتماعی، بین المللی، هیچ تفاوت معناداری وجود ندارد و متغیرهای یادشده در جامعه مستقل هستند. در



مقابل، بین پسران و دختران در نیاز به روح وطن دوستی تفاوت معناداری وجود دارد؛ و دختران بیش از پسران به روح وطن پرستی تمایل دارند.

**در ابعاد فردی:** بین پسران و دختران جوان، در نیاز به رشد جسمی، ثبات روانی و عاطفی، رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی تفاوت معناداری وجود دارد. به نحوی که در نیاز به رشد جسمی، دختران بیش از پسران به رشد جسمی تمایل دارند. در نیاز به ثبات روانی و عاطفی، هرچند دختران و پسران در نیازمندی قوی، نظرات یکسانی ابراز داشته اند، مع هذا، دختران بیش از پسران تمایل به نیازمندی ضعیف و متوسط داشته اند. همچنین، در نیاز به رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی، پسران بیش از دختران تمایل به رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی دارند. متقلاً، در نیاز شوق به فرهنگ و هنر، هیچ تفاوت معناداری بین جوانان پسر و دختر، وجود ندارد و متغیرهای شوق به فرهنگ و هنر در جامعه مستقل هستند.

**در ابعاد فنی:** بین جوانان پسر و دختر، در نیاز به انتخاب شغل و حرفه، آمادگی حرفه ای و خرید و فروش، مصرف و سرمایه گذاری شخصی هیچ تفاوت معناداری وجود ندارد و متغیرهای یادشده در جامعه مستقل هستند. در مقابل، میان پسر ها و دختر ها در نیاز به خانه داری، ازدواج و تشکیل خانواده تفاوت معناداری وجود دارد، و پسران بیش از دختران نیاز به خانه و خانواده دارند.

**فرضیه دوم: بین نیازهای فرهنگی دانش آموزان در هر یک از پایه های تحصیلی متوسطه تفاوت معناداری وجود دارد.**

جوانان در هر یک از پایه های تحصیلی متوسطه، نظرهای کاملاً یکسانی نداشتند. به گونه ای که براساس خلاصه نتایج آماری جدول شماره ۳:

**در ابعاد فکری:** بین پایه های تحصیلی و نیاز به کسب معلومات، تبادل دانش و دانش دوستی هیچ تفاوتی معناداری وجود ندارد متغیرهای یادشده در جامعه مستقل هستند. در مقابل، بین پایه های تحصیلی اول تا چهارم متوسطه و نیاز به دانش آفرینی تفاوت معناداری وجود دارد.

**در ابعاد اجتماعی:** بین پایه‌های تحصیلی اول تا چهارم متوسطه و نیاز به مناسبات بین شخصی، اجتماعی و روح وطن دوستی (مناسبات ملی) هیچ تفاوتی معناداری وجود ندارد و متغیرهای یادشده در جامعه مستقل هستند. در مقابل، بین پایه‌های تحصیلی و نیاز به مناسبات بین المللی تفاوت معناداری وجود دارد.

**در ابعاد فردی:** بین پایه‌های تحصیلی اول تا چهارم متوسطه و نیاز به رشد جسمی، ثبات روانی و عاطفی و شوق به فرهنگ و هنر، تفاوت معناداری وجود دارد. در مقابل، بین پایه‌های تحصیلی و نیاز به رشد اخلاقی و درک ارزش‌های اعتقادی، هیچ تفاوت معناداری وجود ندارد و متغیرهای نیاز به رشد اخلاقی و درک ارزش‌های اعتقادی در جامعه هستند.

**در ابعاد فنی:** در میان پایه‌های تحصیلی اول تا چهارم متوسطه از لحاظ نیاز به انتخاب شغل و حرفه، آمادگی حرفه ای و خانه داری، ازدواج و تشکیل خانواده تفاوت معناداری وجود دارد متغیرهای نیازهای یادشده در جامعه مستقل نیستند. در مقابل، متغیرهای نیاز به خرید و فروش، مصرف و سرمایه گذاری شخصی در جامعه مستقل هستند و هیچ ارتباط معناداری بین پایه‌های تحصیلی اول تا چهارم متوسطه از لحاظ نیازهای مربوط به خرید و فروش، مصرف و سرمایه گذاری شخصی، وجود ندارد.

جدول شماره ۳. خلاصه نتایج آزمون مجذور کای ( $\chi^2$ ) بین پایه‌های تحصیلی و ابعاد نیازها

ابعاد نیازها	سطوح سلسله مراتبی نیازها	مقدار کای محاسبه شده	درجه آزادی
ابعاد فکری	نیاز به کسب دانش و معلومات	۹/۳۸	۶
	نیاز به تبادل دانش	۵/۶۱	۶
	نیاز به دانش آفرینی	۱۲/۸	۶
	نیاز به دانش دوستی	۷/۲۷	۶
ابعاد اجتماعی	نیاز به مناسبات بین شخصی	۹/۷۵	۶
	نیاز به مناسبات اجتماعی	۱۱/۱۵	۶
	نیاز به مناسبات ملی	۵	۶

۱۲/۵۹	۶	۴۹/۲۰	نیاز به مناسبات بین المللی	ابعاد فردی
۱۲/۵۹	۶	۲۲/۲۷	نیاز به رشد جسمی	
۱۲/۵۹	۶	۱۲/۷۲	نیاز به ثبات روانی و عاطفی	
۱۲/۵۹	۶	۱۲/۴۷	نیاز به رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی	
۱۲/۵۹	۶	۱۸/۶۸	نیاز شوق به فرهنگ و هنر	
۱۲/۵۹	۶	۴۴/۳۹	نیاز به انتخاب شغل و حرفه	
۱۲/۵۹	۶	۱۷/۱۱	نیاز به آمادگی حرفه ای	
۵	۶	۴۱/۹۹	نیاز به خانه و خانواده	ابعاد فنی
۵/۹۹				
	۶	۷/۲۳	نیاز به اقتصاد	

**فرضیه سوم: دانش آموزانی که در شهرها زندگی می کنند نسبت به دانش آموزانی که در روستاها زندگی می کنند، نیازهای فرهنگی بیشتری دارند.**

جدول شماره ۴. خلاصه نتایج آزمون مجذورکای (X<sup>2</sup>) بین نظرات جوانان شهری و روستایی

ابعاد نیازها	سطوح سلسله مراتبی نیازها	مقدار کای محاسبه شده	درجه آزادی
ابعاد فکری	نیاز به کسب دانش و معلومات	۰/۸۵	۲
	نیاز به تبادل دانش	۰/۸۴	۲
	نیاز به دانش آفرینی	۲۳/۳۶	۲
	نیاز به دانش دوستی	۰/۰۱	۲
ابعاد اجتماعی	نیاز به مناسبات بین شخصی	۱۸/۷۴	۲
	نیاز به مناسبات اجتماعی	۰/۲۶	۲
	نیاز به مناسبات ملی	۱/۱۳	۲
ابعاد فردی	نیاز به مناسبات بین المللی	۱۶/۵۱	۲
	نیاز به رشد جسمی	۸/۱۶	۲
	نیاز به ثبات روانی و عاطفی	۳/۹۵	۲

۵/۹۹	۲	۲۸/۶۸	نیاز به رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی	
۵/۹۹	۲	۰/۴۲	نیاز شوق به فرهنگ و هنر	
۵/۹۹	۲	۰/۹۸	نیاز به انتخاب شغل و حرفه	
۵/۹۹	۲	۷/۲۵	نیاز به آمادگی حرفه ای	ابعاد فنی
۵/۹۹	۲	۱۶/۶۰	نیاز به خانه و خانواده	
۵/۹۹	۲	۰/۰۲	نیاز به اقتصاد	

همان گونه که جدول شماره ۴ نشان می دهد طیف نظرات جوانان شهری و روستایی نشانگر آن است که:

**در ابعاد فکری:** بین محل زندگی و نیاز به کسب معلومات، تبادل دانش و دانش دوستی هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد و متغیرهای مربوط به نیازهای یادشده، در جامعه مستقل هستند. در مقابل، میان محل زندگی آزمودنیها و نیاز به دانش آفرینی، تفاوت معناداری وجود دارد.

**در ابعاد اجتماعی:** بین محل زندگی و نیاز به مناسبات بین شخصی و بین المللی تفاوت معناداری وجود دارد و متغیرهای مربوط به نیازهای یادشده، در جامعه مستقل نیستند در مقابل، متغیرهای نیاز به مناسبات اجتماعی و ملی (روح وطن دوستی) در جامعه مستقل هستند و هیچ ارتباط معناداری بین محل زندگی و نیازهای مربوط به مناسبات اجتماعی و ملی وجود ندارد.

**در ابعاد فردی:** بین محل زندگی و نیاز به رشد جسمی و رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی، ارتباط معناداری وجود دارد و متغیرهای مربوط به نیازهای یادشده، در جامعه مستقل نیستند. در مقابل متغیرهای نیاز به ثبات روانی و عاطفی و شوق به فرهنگ و هنر در جامعه مستقل هستند و هیچ ارتباط معناداری بین محل زندگی و نیازهای مربوط به ثبات روانی و عاطفی و شوق به فرهنگ و هنر وجود ندارد.

**در ابعاد فنی:** بین محل زندگی و نیاز به انتخاب شغل و حرفه و خرید و فروش، مصرف و سرمایه گذاری شخصی، هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد و متغیرهای مربوط به نیازهای

یادشده، در جامعه مستقل هستند. در مقابل، متغیرهای نیاز به آمادگی حرفه ای و خانه داری، ازدواج و تشکیل خانواده در جامعه مستقل نیستند و ارتباط معنا داری بین محل زندگی و نیاز به آمادگی حرفه ای، خانه داری، ازدواج و تشکیل خانواده وجود دارد.

**فرضیه چهارم: بین اولویت نیازهای فرهنگی دانش آموزان در ابعاد فکری، اجتماعی، فردی و فنی تفاوت معناداری وجود دارد.**

**در ابعاد فکری:** بالاترین درصد نیاز فرهنگی، به ترتیب مربوط به دانش دوستی، کسب معلومات، تبادل دانش و نهایت دانش آفرینی است.

**در ابعاد اجتماعی:** بالاترین درصد نیاز فرهنگی به ترتیب مربوط به مناسبات بین المللی، مناسبات اجتماعی و مناسبات بین شخصی است.

**در ابعاد فردی:** بالاترین درصد نیاز فرهنگی به ترتیب مربوط به رشد جسمی، رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی، شوق به فرهنگ و هنر و ثبات روانی و عاطفی است.

**در ابعاد فنی:** بالاترین نیاز فرهنگی به ترتیب مربوط به انتخاب شغل و حرفه، خرید و فروش، مصرف و سرمایه گذاری شخصی، خانه و خانواده و آمادگی حرفه ای است.

### بحث و نتیجه گیری

بر پایه نتایج حاصل از این پژوهش می توان استنباط نمود که ارضای نیازها همچنان یک دغدغه اساسی است. آن گونه که چن و جانگ (۲۰۱۰) می گویند ارضای نیازهای روان شناختی اساسی منجر به احساس اعتماد به نفس و خود ارزشمندی در افراد می شود. اما در صورت ممانعت در برآورده شدن این نیازها، فرد درکی شکننده، منفی، بیگانه و انتقاد آمیز از خود خواهد داشت. طبیعی است که با توجه به وسعت دامنه نیازهای فرهنگی که می تواند تمام قلمرو نیازهای انسانی را پوشش دهد، تأمین نیازها از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. با مقایسه نتایج به دست آمده می توان گفت بین اولویت نیازهای فرهنگی جوانان در ابعاد یادشده تفاوت معناداری وجود دارد؛ به نحوی که نیازهای مربوط به ابعاد اجتماعی، بالاترین میزان گرایش در

جوانان را داشته است؛ و نیازهای مربوط به ابعاد فنی کمترین میزان گرایش در جوانان را نشان داده است همچنین نیازهای مربوط به ابعاد فکری و فردی به ترتیب در اولویت دوم و سوم قرار گرفته اند.

از لحاظ **بعد فکری**، آنان بر این باورند که کسب علم و دانش، تأثیر بسیار زیادی در زندگی شان دارد و احساس عدم توانائی در ادامه تحصیل را مردود دانسته اند. از مجموعه نظرات بیان شده، این استنباط حاصل می‌شود که، محتملاً دلایل افت تحصیلی و بی‌علاقگی در جوانان برای ادامه تحصیل، مرتبط با علل و شرایط دیگری می‌تواند باشد. پیشنهاد این است که در ارائه معلومات و زمینه‌های جذب اثر بخش دانش آموزان در پیشرفت تحصیلی، نیازها و علائق خاص آنان، از طریق ارتباط تنگاتنگ با دبیران و مدیریت مدرسه بیشتر مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد، جوانان، بیش از محدوده زندگی خویش می‌خواهند قلمرو اندیشه داشته باشند. آن‌ها طالب آشنایی با رشد و پیشرفت علمی، در جهان هستند. نظام آموزشی باید سعی کند زمینه کسب این آگاهی را از طریق بهره‌گیری از تکنولوژی آموزشی، مراودات فرهنگی آموزشی و حتی برگزاری مسابقات علمی فرهنگی، گسترش دهد و مدارس را از جمود فکری و یکنواختی مطالب آموزشی، رهایی بخشد. علی‌رغم علاقه مندی اکثریت قاطع جوانان به ارائه خلاقیت و ابتکار، مدرسه تنها به خلاقیت و ابتکار یک سوم دانش آموزان، رغبت قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. در حدود نیمی از جوانان، معتقدند که مدرسه فقط اهمیت زیادی به کسب معلومات می‌دهد و پیشرفت تحصیلی از نظر او یعنی داشتن نمره قبولی. ملاحظه می‌شود که، مدرسه قادر به پاسخگویی زمینه‌های ابتکار و خلاقیت در تمامی دانش آموزان جوان نیست. آن‌گونه که پینک (۲۰۰۸) می‌گوید مدرسه باید آدمهایی را تربیت کند که می‌توانند کل‌گرایانه فکر کنند. پیشنهاد این است که مدارس تلاش نمایند از طریق توجه به زمینه روانشناسی و تفاوت‌های فردی در دانش آموزان بیشتر، توانمندیها و قدرت ابتکار جوانان را، بازشناسند. جوانان، با اکثریت قاطع اعلام نموده‌اند که بیشتر اوقات، به دنبال یادگیری مطالب تازه هستند؛ و وقتی مطلب تازه‌ای را یاد می‌گیرند نشاط بسیار زیادی در خود احساس می‌کنند. آن‌ها اعلام داشته

اند که برای درک یک موضوع علمی، سعی و کوشش زیادی از خود بروز می دهند و به خصوص در زمینه زبان آموزی، بسیار تمایل دارند که با زبانهای مردم دیگر دنیا، آشنا شوند. این فکر، که علاقه مند به یادگیری مطالب درسی نیستیم از نظر آنان مردود است و با اکثریت، علاقه مندی خود را به یادگیری مطالب درسی، ابراز داشته اند. نتیجه قابل استناد در بعد فکری این است که، جوانان زمینه‌های اساسی یادگیری و رشد علمی را دارند. آنچه می تواند مشکل محسوب شود، عدم بهره گیری شایسته از جاذبه ها و وابستگی های جوانان است.

از نظر **بعد اجتماعی** هرچند، اکثریت قاطع جوانان، اعم از پسر و دختر، علاقه مند هستند که بیشتر ساعات زندگی خود را صرف خدمت به مردم نمایند؛ و بسیار تلاش می کنند که در حفظ دوستی خود با افراد و به ویژه دوستان و آشنایان، موفق باشند، اما معتقدند که مدرسه هیچ گونه فرصت مناسبی را برای آنها جهت در میان گذاردن مسائل و مشکلاتشان، در نظر نمی گیرد. جوانان براین باورند که، بندرت شاهد همکاری و همدلی نزدیک میان افراد جامعه هستند و مدرسه در این میان کمتر توانسته نسبت به مشارکت دانش آموزان در کارهای جمعی و گروهی، موفق باشد. اکثریت آنان اعلام نموده اند که، خود را محتاج سنگ صبوری می دانند تا مسائل و مشکلات زندگی خویش را با او در میان گذارند. استنباط این است که، جامعه و مدرسه هنوز نتوانسته اند زمینه یگانگی و آمیزش اجتماعی با جوانان را، به نحو مناسب برقرار سازند. جوانان مشکلات اساسی موجود در روابط و مناسبات اجتماعی را، قبل از اینکه ناشی از عدم همکاری نزدیک و صمیمی خود با افراد جامعه بدانند، آن را مربوط به مدرسه و اجتماع قلمداد می نمایند که اهتمام بایسته را در این مهم صورت نمی دهند. بیگانگی در روابط اصیل اجتماعی، میان آنان قابل تشخیص است و هنوز به دنبال شناسایی محرم رازی چون سنگ صبور، برای طرح مسائل و مشکلات زندگی خویش هستند. علی رغم اینکه اکثریت قاطع جوانان، احترام به حقوق افراد را یک وظیفه می دانند و بسیار علاقه مند هستند که با قبول مسئولیت در جامعه، بهتر نسبت به انجام وظایف خود عمل نمایند و نیز خود را عضوی موثر و مفید در اجتماع بدانند؛ اما متاسفانه، در حدود نیمی از آنان، هنوز نمی دانند که چه وظایفی را

در جامعه باید بر دوش داشته باشند. آنان بر این باورند که هنوز، به حقوق واقعی خود در جامعه آشنا نیستند. به نظر می‌رسد که، مدرسه و اجتماع به نحو شایسته نتوانسته اند جوانان را با وظایف و حقوق اجتماعی خویش آشنا سازند. آن‌گونه که سو و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند هنجارهای اجتماعی جامعه پسنده، ارزش‌های عمل‌گرایانه و همدلی پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی رفتار اجتماعی مطلوب در میان جوانان است. پیشنهاد این است که مدرسه و اجتماع بیش از پیش، از طریق تفویض مسئولیت اجتماعی به جوانان، آنان را به‌طور ملموس‌تر با هنجارها و حقوق و وظایف اجتماعی آشنا سازند. اکثریت قاطع جوانان، ضمن اینکه قدردانی از خدمات ارزشمند جامعه را یک وظیفه ملی می‌دانند، انگیزه فعالیت و تلاش خود را در زندگی نیز، خدمت به وطن شمرده‌اند. آنان با قاطعیت تمام، از اینکه فردی ایرانی هستند، احساس افتخار می‌کنند. بنابراین، پی‌می‌بریم که روح وطن‌دوستی و مناسبات ملی کاملاً در میان جوانان، اعم از پسر و دختر، زنده است. پیشنهاد این است که، برنامه ریزان فرهنگی و مجریان رسانه‌های گروهی به ویژه رادیو و تلویزیون، از طریق طرح ریزی و تدوین برنامه‌های واقعی، زمینه‌های ناروشن این انگیزه بسیار ارزشمند در جوانان را بیشتر صیقل دهند و از طریق تقویت حس قدردانی از خدمات ارزشمند جامعه، در تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به ویژه در قیاس با سایر کشورها، آنان را بیشتر نسبت به موقعیت ویژه خویش، آشنا سازند. جوانان بر این باورند که مدرسه به خوبی نتوانسته شرایط و زمینه‌آشنایی آنان را با اوضاع و احوال جهان در تمام زمینه‌ها فراهم سازد. حس علاقه‌مندی به برقراری مناسبات بین‌المللی در جوانان، بسیار زنده است. پیشنهاد این است که، برنامه ریزان فرهنگی، جهان‌شناسی را به ویژه در سطحی که تجاذب برانگیز برای جوانان باشد، در برنامه‌های آتی خود بگنجانند؛ و از طریق درگیر نمودن برنامه‌های رادیو و تلویزیون و مطبوعات، این برنامه‌ها را به درون مدرسه ببرند.

از لحاظ **بعد فردی**، گرچه اکثریت قاطع جوانان، اعم از پسر و دختر، پرورش بدن سالم را یکی از نیازهای ضروری خود می‌دانند، و بسیار علاقه‌مند به عضویت در کلوپ‌های مختلف ورزشی هستند، ولی هنوز بر این باورند که، جامعه بها و ارزش زیادی به جوانان برای پرورش



بدن سالم نمی دهد. به نظر می رسد جامعه هنوز قادر نیست، رضایت جوانان را به طور کامل در زمینه ورزش و پرورش جسم سالم، به دست آورد. علی رغم اینکه اکثریت جوانان، ابراز داشته اند که همیشه سعی می کنند راه اعتدال را در زندگی طی کنند؛ ولی یکی از مشکلات اساسی خویش را اضطراب در شرایطی می دانند که شاهد عدم توجه به احتیاجات خود در زندگی هستند. اکثریت آنان بر این باورند که، در برخورد با مشکلات و تنگناهای زندگی، بندرت می توانند خونسردی خود را حفظ کنند. هر چند اکثریت آن ها اعلام نموده اند که، خانواده هایشان به خوبی توانسته اند نیازهای عاطفی آن ها را تأمین نمایند؛ ولی در حدود نیمی از آن ها ابراز داشته اند که اغلب احساس یأس و ناامیدی می کنند. استنباط این است که، ریشه های اساسی ثبات روانی و عاطفی به طور کامل در جوانان تقویت نگردیده است. عواملی بی شماری در این امر دخیل هستند که نقش اساسی خانواده و مدرسه در رأس آن ها است. هر چند، اکثریت قاطع جوانان، اعلام داشته اند که همیشه سعی می کنند پایبند به صداقت در زندگی باشند؛ ولی بر این باورند که، بندرت شاهد صداقت از جانب دیگران هستند. آن ها علی رغم اینکه رعایت دستورات دینی را برای بهبود زندگی موثر می دانند، لکن معتقدند که کمتر می توانند راهنمای مناسبی برای انجام صحیح دستورات دینی با توجه به مقتضیات و شرایط دینی و اعتقادی خود ندارند، احساس کمبود می کنند. جوانان بسیار تمایل دارند که بیش از این قادر باشند ارزش مبانی دینی و اعتقادی را درک کنند. به نظر می رسد که پایبندی به صداقت، رشد اخلاقی و درک ارزشهای اعتقادی برای جوانان بسیار درخور توجه و اهمیت است؛ و اگر مشکلی در این زمینه به چشم می خورد مرتبط با دیگران غیر از خودشان (شاید جامعه و مدرسه) است. پیشنهاد این است که، برنامه ریزان فرهنگی کشور از طریق جذب و مشارکت روحانیون جوان و آگاه، پاسخگوی نیازهای اعتقادی و اخلاقی جوانان باشند. برای جامعه اسلامی ایران پذیرفته نیست که دبیرستانی با داشتن بیش از پانصد نفر دانش آموز جوان، محروم از روحانی آگاه و متعهد باشد. جوانان علی رغم اینکه بسیار علاقه مند به هنر و موسیقی هستند و دوست دارند نسبت به پرورش ذوق هنری خود، از راهنمایی و کمک بیشتری برخوردار

باشند؛ اما براین باورند که مدارس به هنر و ذوق هنری آنان بها و ارزش لازم را نمی دهند؛ و مدرسه تاکنون موفق نشده به خوبی برای گسترش توانایی‌های هنری و موسیقی جوانان فعالیت نماید. استنباط این است که، شوق به فرهنگ و هنر آن چنان‌که شایسته نیازهای فرهنگی جوانان باشد، مورد توجه جامعه و مدرسه قرار نگرفته است.

از نظر **بعده فنی**، مسأله انتخاب شغل و حرفه برای جوانان، به گونه ای شایسته در مدرسه حل نشده است، و رهنمودهای لازم از طریق برنامه آموزش شغلی نیز، صادر نشده است. به احتمال زیاد اکثر مدارس فاقد برنامه های آموزش شغلی مؤثر می‌باشند. ابهام و سردرگمی در آینده شغلی، برای جوانان بسیار می‌تواند مشکل ساز باشد. هر چند اکثریت قاطع جوانان، بسیار مصمم هستند تا بتوانند به شغل ایده آل خود نایل شوند، اما از اینکه تاکنون نتوانسته اند آمادگی لازم برای شغل مشخصی را پیدا کنند، بسیار نگران هستند. تنها در حدود یک سوم آنان ابراز داشته اند که در برنامه آموزش شغلی مدرسه توانسته اند مهارت‌های مناسبی را بیاموزند. استنباط این است که، مدارس قادر نبوده اند آمادگی حرفه ای را آن چنان‌که درخور توجه جوانان باشد از طریق برنامه های آموزش شغلی فراهم سازند. در امر خانه و خانواده، اکثریت جوانان، ابراز داشته اند که هنوز آنقدر توانا نشده اند که بتوانند اداره یک خانواده را بر عهده گیرند؛ و بر این باورند که مدرسه نتوانسته نسبت به مسأله تشکیل خانواده، دانش آموزان را آگاه سازد. اغلب جوانان ترجیح می دهند پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی و انتخاب شغل مناسب ازدواج نمایند؛ و هنوز امر ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین مسأله زندگی آنان قلمداد نمی‌شود. استنباط این است که، جوانان مسائل مهمتری نسبت به امر ازدواج و تشکیل خانواده دارند و تعقیب تحصیلات دانشگاهی برای آنان مهمتر است. در زمینه اقتصاد و علم معیشت زندگی، اکثریت جوانان، اعم از پسر و دختر، ابراز داشته اند که تاکنون نتوانسته اند پس انداز قابل ملاحظه ای از خرجی روزانه تحصیل، که به صورت مستمری از خانواده دریافت می‌کنند، داشته باشند. اغلب آنان براین باورند که، به خوبی یاد گرفته اند که چگونه از پول و دارایی شخصی خود درست استفاده کنند. به نظر می‌رسد، علم معیشت و سرمایه گذاری شخصی برای جوانان، چندان

درخور توجه نیست. هرچند که تصور درست استفاده کردن، از دارایی شخصی خود را دارند. پیشنهاد می‌شود در وهله اول، در زمینه‌های تربیتی خانواده حس صرفه جویی و پس انداز مورد توجه قرار گیرد و از طریق درگیر ساختن جوانان در خرید اشیاء و لوازم مورد نیاز زندگی، آمادگی اقتصادی را در آن‌ها تقویت نمایند. مدرسه نیز از طریق اهتمام و جدیت مربیان آموزشی، زمینه‌های تشویق و ترغیب دانش آموزان به پس انداز و صرفه جویی اقتصادی را فراهم سازد.

### منابع

- اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کامران (۱۳۸۷). سنجش نیازهای فرهنگی اجتماعی دختران دانش آموز شهر اصفهان، فصلنامه علمی - پژوهشی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، پاییز، شماره ۴۱.
- بی‌تس، دانیل؛ پلاگ، فرد. (۱۳۸۷). *انسان شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، (چاپ ششم)، تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- قلاوند، حسن؛ امانی ساری بگلو، جواد؛ بابایی سنگلجی، محسن (۱۳۹۱). تحلیل کانونی رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان شناختی اساسی در میان دانش آموزان، *فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه های نوین تربیتی*، زمستان، شماره ۳۲.

- Alderfer, C. P. (1972). *Existence, relatedness, and growth*. New York: Free Press.
- Alessandro, A. & Sath, D. (1997). The dimensions and measurement of school culture: Understanding school culture as the basis for school reform. *International Journal of Educational Research*, 27, pp. 553-569.
- Arnone, M. P., Reynolds, R. & Marshall, T. (2009) The effect of early adolescents psychological needs satisfaction upon their perceived competence in information skills and intrinsic motivation for research. *School Libraries Worldwide*, Vol. 15(2): pp. 115-134.
- Chen, K.C., & Jang, S.J. (2010). Motivation in online learning: Testing a model of self-determination theory. *Journal of Computers in Human Behavior*, 26, 741-752.
- Cronbach, L. J. (1954). *Educational Psychology*. New York: Harcourt, Brace

- Deci, E. L., Ryan, R. M., Gagne, M., Leone, D. R., Usunov, J., & Kornazheva, B. P. (2001). Need satisfaction, motivation, and well-being in the work organizations of a former eastern bloc country: A crosscultural study of self-determination. *Society for Personality and Social Psychology*, 27, 930-942.
- Deci, E.L., & Ryan, R.M. (1985). *Intrinsic motivation and selfdetermination in human behavior*. New York: Plenum.
- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2008) Facilitating optimal motivation and psychological well-being across life's domains. *Canadian Psychology*, Vol. 49 (1): pp. 14-23.
- Gagné, M., & Deci, E. L. (2005). Self-determination theory and work motivation. *Journal of Organizational Behavior*, 26(4), 331– 362.
- Downey, Lawrence W.(1960).*The Task of Public Education – The Perceptions of People*.Chicago:Midwest AdministrationCenter, The University of Chicago.
- Downey, Lawrence W., Roger C. Seager and Allen T. Slagle.(1958). *The Task of Public Education Opinionnaire*. Chicago:Midwest Administration Center, University of Chicago, 1958.
- Fitchett, George, Burton, L. A., & Sivan, A. B. (1997). The Religious Needs and Resources of Psychiatric In-Patients. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 185(5) 320-326.
- Fromm, Erich. (1955). *The Sane Society* . New York: Henry Holt.
- Herzberg, F., Mausner, B., & Snyderman, B. (1959). *The motivation to work* . New York: John Wiley & Sons.
- Horney, K. (1942). *Self-Analysis* . New York: W. W. Norton.
- Horney, K. (1945). *Our Inner Conflicts* . New York: W. W. Norton.
- Marshik, T.T. (2010). *Teachers' and students' psychological need satisfaction as predictors of students' academic achievement*. Doctoral dissertation, University of Florida.
- Maslow, A. H. (1987). *Motivation and personality*.( 3rd edition) New- York: Harper Collins.
- McClelland, D.C., Atkinson, J.W., Clark, R.A., and Lowell, E.L. (1953). *The Achievement Motive*. NY: Appleton-Century-Crofts.
- Murray, H. A. (1938). *Explorations in personality*. New York: Oxford University Press.
- Koenig, H. G., King, D. E., & Carson, V. B. (2012). *Handbook of religion and health* (2nd ed.). NY: Oxford University Press.
- Koenig, H. G., & Weaver, A. J. (1997). *Counseling Troublrd Older Adults: A Handbook for Pastors and religious Caregivers*. Nashville Abingdon.
- Pink, D.H. (2008). *A whole new mind: Moving from the Information Age to the Conceptual Age*. London: Marshall Cavendish Ltd.



- Siu, M.H. Andrew., Shek, T.L. Daniel & Lai, H.Y. Frank. (2012). Predictors of Prosocial Behavior among Chinese High School Students in Hong Kong. *The Scientific World Journal* .Volume 2012, Article ID 489156, doi:10.1100/2012/489156.
- Wang, M.T. & Holcombe, R., (2010). Adolescents' Perceptions of School Environment, Engagement, and Academic Achievement in Middle School. *American Educational Research Journal*, 47(3), 633-662.